

پیمان بغداد و تأثیر آن بر روابط ایران و شوروی

محمود طاهر احمدی

برتری جویی کنند و "حقوق دیگران را غصب و یا سرزمینهای آنها را تصرف نمایند؟" تنها چیزی که آنها می خواستند، امنیت بود و مقابله با تهدید نظامی اتحاد شوروی. (۷) در این میان آمریکا و انگلستان، افزایش اعضای پیمان بغداد را امتیاز بزرگی برای خود تلقی کردند و پنداشتند به پیروزی بزرگی دست یافته اند که مکمل پیروزی آنان در سرنگون کردن دولت ملی دکتر مصدق بوده است. (۸) از این رو، یک روز پس از اعلام عضویت ایران در پیمان بغداد، وزارت امور خارجه آمریکا، اعلامیه ای شوق آمیز منتشر کرد و الحاق ایران را به پیمان بغداد ستود. (۹) از سوی دیگر، درست در همان روز (۱۱ اکتبر ۱۷ مهر) دولت شوروی، رسماً به عضویت ایران در این پیمان اعتراض کرد و در پی آن، سفر هفت موسیقیدان روسی را به این کشور لغو کرد و از تحویل گرفتن چهل هزار تن برنج صادراتی ایران، سر باز زد. (۱۰) در اعلامیه وزارت امور خارجه شوروی - که بر ضد پیمان بغداد و پیوستن ایران به آن پیمان صادر شده بود - (۱۱) پس از اشاره به اوضاع خاورمیانه و تلاش آمریکا و انگلیس برای کشاندن کشورهای این منطقه به دسته بندیهای نظامی و افسشای ماهیت استعماری آن پیمانها، با بی بنیاد خواندن خطر اتحاد شوروی برای صلح و امنیت جهان که از سوی امپریالیستها ساخته و پرداخته شده بود، به توضیح اصل اساسی سیاست خارجی شوروی پرداخت و مدعی شد: "تمایل دائمی و تزلزل ناپذیر این دولت به صلح بین ملتهاست و عدم مداخله در امور داخلی و احترام به حق حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی سرزمین آنها، و اینکه اتحاد شوروی به برقراری صلح و کاهش تنشجات بین المللی سخت پایبند است و در پی قطع مسابقه تسلیحاتی و تحریم سلاحهای اتمی و هیدروژنی می باشد.

سپس با یادآوری این نکته که اتحاد شوروی از همان نخستین روزهای تأسیس خود، توسعه طلبیهای امپریالیستی را بجد تشبیه کرد و همه پیمانهای ستمگرانه دولت تزاری را با کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران لغو کرد، با تأیید و تأکید، نتیجه گرفت چنین کشوری نمی تواند برای کشورهای خاور نزدیک و خاورمیانه خطر آفرین باشد و البته خطر از سوی کشورهای است که به بهانه تأمین امنیت در خاور نزدیک و خاورمیانه، بلوکهای تجاوزکارانه نظامی تشکیل می دهند و در پی آنند که کشورهای این مناطق را به تکیه گاه نظامی خود تبدیل و به لحاظ اقتصادی وابسته تر کنند. وزارت امور خارجه

با خاتمه جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵ م. ۱۳۲۴ ش.، و شروع جنگ سرد در نخستین سالهای دهه ۱۹۵۰ م.، که اتحاد جماهیر شوروی رفته رفته در چهره قدرتی بزرگ نمایان می شد و مارکسیسم نیز در میان مردم محروم مناطقی از آسیا و آفریقا به نفوذ روزافزون خود ادامه می داد و حتی حزب کمونیست در کشورهای مانند فرانسه و ایتالیا و هند به قدرت و اقتدار شایانی دست یافته بود، ایالات متحد آمریکا برای تثبیت برتری خود در جهان و مقابله با توسعه طلبی ایدئولوژیکی و نظامی اتحاد شوروی، اقداماتی را به انجام رساند که از جمله آنها، یکی تشکیل پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) بود در هفتم آوریل ۱۹۴۹، و دیگر تأیید و تقویت پیمان بغداد. (۱)

پیمان بغداد یا پیمان همکاری متقابل که پس از انقلاب خونین ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ عراق (۲) ۲۳ تیر ۱۳۳۷، به سازمان پیمان مرکزی (سنتو Central Treaty organization) تغییر نام یافت (۳)، در یک مقدمه و هشت ماده تنظیم شده بود (۴) و در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ / ۱۵ اسفند ۱۳۳۳، میان ترکیه و عراق به امضا رسید. هدف اصلی این پیمان، ایجاد کمربندی دفاعی در برابر شوروی و حفاظت از امنیت خاورمیانه بود.

عونی خالدی، دبیرکل پیمان بغداد در ۱۶ اکتبر ۱۹۵۶ / ۲۴ مهر ۱۳۳۵، ضمن سخنانی در انجمن ایران و امریکای تهران، پس از اشاره به قدرت نوپای کمونیسم، ضرورت "روبه رو شدن با این مهاجم و متجاوز جدید" را خاطر نشان کرد و از پیش گرفتن سیاستی دفاعی در برابر اتحاد شوروی و محافظت از امنیت خاورمیانه، سخن به میان آورد. (۵)

پیمان بغداد هر چند در آغاز، میان ترکیه و عراق به امضا رسید، اما در ماده پنجم آن تصریح شده بود:

"این پیمان، برای قبول عضویت کشورهای عضو جامعه عرب و یا هر کشور دیگری که جداً در امر صلح و امنیت این منطقه (خاورمیانه) علاقه مند باشد و از طرف هر دو کشور امضاکننده (ترکیه و عراق) به رسمیت شناخته شود، آماده است."

بدین قرار انگلستان - که خود بنیانگذار پیمان بغداد بود - در ۴ آوریل / ۱۴ فروردین، پاکستان در ۲۳ آوریل / ۷ اردیبهشت و ایران در ۱۱ اکتبر ۱۸ / ۱۹۵۵ مهر ۱۳۳۴، به پیمان بغداد پیوستند و آن را به صورت یک پیمان منطقه ای درآوردند. (۶) به گفته عونی خالدی، این کشورها بر آن نبودند که

شوروی، در پایان این اعلامیه مفصل تهدید کرد که نمی‌تواند در برابر اوضاعی که در خاور نزدیک و خاور میانه پیش آمده است، بی‌اعتنا باشد و در مقابل برپایی پایگاه‌های نظامی بلوک غرب آن هم در اراضی کشورهای خاور نزدیک و میانه - که مستقیماً امنیت اتحاد شوروی را تهدید می‌کند - ساکت بنشیند.

افزون بر این اعلامیه، دولت شوروی یادداشت اعتراض آمیزی در ۱۹ مهر/۱۱۲ اکبر به ابوالقاسم اعتصامی، کاردار سفارت ایران در مسکو تسلیم کرد که در آن آمده بود: پیوستن ایران به بلوک نظامی، مغایر با قراردادهای امضا شده میان ایران و شوروی است. (۱۲) پس از فرستادن این یادداشت، روزنامه‌های شوروی مقاله‌های متعددی برضد ایران منتشر کردند و راديو مسکو نیز در بخش فارسی خود، شروع به انتقاد از دولت ایران کرد و به ناسزا گویی پرداخت. (۱۳)

در پاسخ رسمی دولت ایران به یادداشت دوازدهم اکتبر وزارت خارجه شوروی - که در شانزدهم اکتبر به آن وزارتخانه در مسکو تسلیم شد - بر این نکته تأکید شده بود که "دولت شاهنشاهی، بنابر مسئولیتی که در حفظ استقلال و صیانت حدود و شعور کشور به عهده دارد، با استفاده از حق حاکمیت خود، هرگونه اقدام و تدبیری را - که برای تأمین این منظور لازم بداند - اعمال خواهد کرد. (۱۴)

در این حال محمدرضا پهلوی - که با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، به قدرتی متمرکز و تمامیت خواه دست یافته بود - برای برطرف کردن تیرگی روابط ایران و شوروی، مسعود انصاری، سیاستمدار کارگشته و آشنا به زبان و فرهنگ روسی را به سفیر کبیری ایران در مسکو گماشت. انصاری در دسامبر ۱۹۵۵/آذر ۱۳۳۴، رهسپار مسکو شد (۱۵) و بی‌درنگ در ۲۱ دسامبر/۲۹ آذر به حضور مولوتف، وزیر امور خارجه شوروی شتافت. در این دیدار مولوتف، انصاری را به سردی پذیرفت و بالحن گلیه آمیزی، سبب ورود ایران را به پیمان بغداد جویا شد و اینکه چرا دولت ایران به دوستی خود با اتحاد شوروی ارجح نهاده است و اگر این پیمان، آن چنان که می‌گویند یک پیمان منطقه‌ای است، چگونه انگلستان به آن پیوسته است و نماینده دولت آمریکا به عنوان ناظر در جلسات آن شرکت می‌کند. (۱۶)

علت دلگیری و خشم مقامات شوروی از پیوستن ایران به پیمان بغداد، چنان که در دومین یادداشت رسمی وزارت امور خارجه شوروی به سفارت ایران در مسکو (۱۷) مشهود بود، و در سخنان خروشچف، دبیر اول حزب کمونیست و بولگانین، رئیس شورای کمیسارها به انصاری بصراحت بیان شده بود، به خطر افتادن امنیت اتحاد شوروی از طریق مرزهای جنوبی خود بود و اینکه از آن پس فعالیت امریکادر ایران بیش تر می‌شد و تعداد زیادی از کارشناسان و نظامیان امریکایی به ایران می‌آمدند و فعالیت دامنه‌داری برضد شوروی به انجام می‌رساندند. از این رو، طبیعی بود که همسایه مقتدر ایران، خود را محق بداند که از سوی ایران احساس امنیت کند. مقامات شوروی در گفت و گو با انصاری تأکید می‌کردند، وقتی می‌بینیم دولت ایران با دشمنان شوروی هم پیمان می‌شود، دیگر نمی‌توانیم به حسن نیت آن دولت اعتماد کنیم و به دوستی ایران و شوروی مطمئن گردیم. (۱۸)

انصاری در پاسخ به مقامات شوروی، می‌گوید آنان را متقاعد کند که پیمان بغداد فقط یک پیمان دفاعی است و از الحاق ایران به آن پیمان، امنیت اتحاد شوروی به خطر نمی‌افتد. (۱۹) به هر رو،

انصاری دو روز پس از دیدار با مولوتف، در ۲۳ دسامبر برای تقدیم استوارنامه خود به حضور مارشال و اراشیف، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی رسید و در سخنانی کوتاه، تأکید کرد تمامی مساعی خود را برای توسعه هرچه بیش تر روابط دوستانه کشورش با اتحاد شوروی به کار خواهد برد. (۲۰) پس از این دیدار، انصاری با پگوف، کارمند عالی‌رتبه وزارت خارجه شوروی - که بعداً به مقام سفیر شوروی در تهران ارتقا یافت - به گفت و گو پرداخت و گفت: "ایران، صمیمانه مایل به تحکیم مناسبات دوستانه خود با شوروی است و من مأمورم که به دولت شوروی اطمینان دهم که عضویت ایران در سازمان پیمان بغداد، کوچک‌ترین مانعی در بسط و توسعه مناسبات دوستانه دو کشور ایجاد نمی‌کند؛ زیرا این سازمان، به قصد تعرض به هیچ دولتی تشکیل نشده و صرفاً یک سازمان دفاعی است و دولت شوروی نباید از این بابت نگرانی به خود راه دهد.

انصاری، آنگاه به این اصل بدیهی اشاره کرد و گفت:

هر کشوری حق دارد در صورت تجاوز شدن به خاکش به دفاع از خود برخیزد و برای همین، کشورهای سوسیالیستی پیمان ورشو را منعقد کرده‌اند؛ از این رو بر کشورهای عضو پیمان بغداد ایرادی نیست. بنابراین لازم است به جای خصومت ورزی، به یکدیگر اعتماد کنیم و از در صلح وارد شویم و روابط خود را بر پایه احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر بنیان نهمیم و به همکاری با هم پرداخته و برای تحکیم مبانی صلح در دنیا، بکوشیم.

واراشیف - که از زبان آوری و فصاحت انصاری در سخن گفتن به روسی به وجد آمده بود - دست او را به گرمی فشرد و گفت:

آرزوی ما نیز، این است که با همسایه خود ایران - که با آن دو هزار و پانصد کیلومتر مرز مشترک داریم - بهترین مناسبات دوستانه را برقرار سازیم و امیدوار باشیم، هیچگاه بین ما کدورتی رخ نماند. (۲۱)

انصاری بعداً به حضور خروشچف رسید و ضمن گفت و گو با وی، خروشچف موضوع مسافرت شاه را به شوروی پیش کشید و از آن استقبال کرد (۲۲) و گفت:

به رهم عضویت ایران در پیمان بغداد، هرگاه شاهنشاه وارد خاک شوروی شود، مقدمش را گرامی می‌داریم و پذیرایی شایانی - که در خور هر امپراتور باشد - از ایشان به عمل خواهیم آورد. (۲۳) به نظر می‌رسد علت این نرمش به رغم آن گلیه‌ها و تهدیدها، گذشته از پایان یافتن دوره استالینسم و تغییر شیوه رهبران شوروی در سیاست خارجی کشور، بیش تر از این رو بود که در آن ایام، اتحاد شوروی به کامیابیهای مهمی در پهنه بین‌المللی دست یافته بود (۲۴) و در پی آن موفقیتها، بر آن بود که از جمله تا حد امکان ایران را از بلوک غرب دور و به خود نزدیک تر کند.

اما پاره‌ای از آن کامرانها - که سبب پابرجایی شوروی به عنوان یک قدرت برتر در عرضة تکاپوگری سیاست جهانی شده بود - عبارت بود از: عقب نشینی واحدهای نظامی امریکاتا مرز میان کره شمالی و کره جنوبی و امضای اجباری

قرارداد صلح در دهکده پانمونجوم با پانمینجان، (۲۵) دیگر آنکه در اوایل ۱۹۵۴م. که نمایندگان آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلیس و جمهوری خلق چین در ژنو گردآمده بودند - دولت شوروی موفق شد نظرات خود را درباره مسایل مربوط به هند و چین و تحکیم صلح در ویتنام، لائوس و کامبوج به کرسی بنشانند (۲۶) و پس از آن در مه ۱۹۵۵، بر اثر قراردادی با اتریش از استقرار پایگاه هسته ای آمریکا در آنجا جلوگیری کند (۲۷) و بی درنگ در ۲۶ مه ۱۹۵۵، در پراگ با مارشال تیتو به توافق برسد و روابط به هم خورده شوروی و یوگسلاوی را دوباره عادی کند. (۲۸) همچنین در ژوئن ۱۹۵۵، جواهر لعل نهرو، نخست وزیر هند به شوروی رفت و بر اساس مقاله نامه ای - که میان دو دولت به امضا رسید - همکاریهای مفید آتی پایه گذاری شد. مهم تر آنکه در سپتامبر همان سال، شوروی با جمهوری فدرال آلمان روابط سیاسی برقرار کرد و بدین ترتیب، گام مؤثری در تأمین صلح در اروپا برداشت. (۲۹)

بدین قرار، دعوت از شاه نیز در ادامه همین سیاست موفقیت آمیز بود که به نوبه خود، محافل سیاسی جهان را متوجه آن کرد.

در این میان نیکو لایگوف، دیپلمات برجسته روسی - که در کار سیاست بسیار بردبار و اهل نرمش بود - به سفیر کبیری اتحاد شوروی در تهران برگزیده شد و وی نیز در دورانی پر تنش، و وظایف خود را بخوبی به انجام رساند.

در این حال، روابط ایران و شوروی رو به بهبود نهاد و آن خشم و خروشی که روسها در آغاز ورود ایران به پیمان بغداد از خود نشان می دادند، بتدریج فرونشست و راه برای ورود هیئت پارلمانی ایران به مسکو هموار شد. به این ترتیب در ۱۹ دسامبر ۲۷ آذر، سناتور محمد ساعد مراغه ای، سیاستمدار و نخست وزیر پیشین و در عین حال کارشناس برجسته روابط ایران و شوروی، در رأس هیئتی دوازده نفره وارد مسکو شد. (۳۰) ورود این هیئت به مسکو و تجلیل شایسته مقامات کرملین از آن، در پراکندن ابرهای تیره ای که افق روابط ایران و شوروی را فرا گرفته بود، بی تأثیر نبود. (۳۱) بویژه آنکه محمد ساعد، دیپلمات ورزیده و آگاه به ادب دیپلماسی، به پیچ و خم مناسبات ایران و شوروی بخوبی آشنا بود و می دانست در آن هنگامه چه بگوید و از مواضع ایران چگونه دفاع کند. به هر رو، مذاکرات انصاری با مقامات شوروی از سویی و از سوی دیگر مسافرت هیئت پارلمانی ایران به مسکو، تأثیر زیادی در بهبود روابط پرفراز و نشیب ایران و شوروی برجای گذاشت؛ اما هنوز زود بود که آثار مخرب اعلامیه وزارت خارجه شوروی درباره ایران و خاورمیانه زوده شود و سوءظن جای خود را به حسن تفاهم و اعتماد در روابط دو جانبه دهد. با این همه، این گفت و گوها سبب شد که راه برای سفر رسمی شاه به شوروی هموار و آماده شود؛ بویژه آنکه بر اثر ایستادگی دولت ایران بر سر مواضع خود، دولت شوروی به گرفتن یک تعهدنامه از دولت ایران راضی شد که به موجب آن، ایران به پایگاهی موشکی برضد شوروی تبدیل نمی شد. (۳۲) اندک زمانی پس از گفت و گوی انصاری با خروشچف، مارشال کلمنتی و ارانشیلف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، شاه را رسماً به اتحاد شوروی دعوت کرد. از آن سو، شاه نیز که به گفته امیر خسرو افشار (مدیر کل سیاسی وزارت خارجه در آن روزها)، به سبب شرکت نکردن آمریکا در پیمان بغداد، از ماندن در آن پیمان خشنود نبود و آن را برای ایران بیهوده می دانست و در پی بهانه ای برای بیرون آمدن از آن بود، (۳۳) و از سویی دیگر، دریافته بود که همسایه شمالی، کشوری است که ایران باید با آن روابط خوبی داشته باشد، (۳۴) به رغم خشم و ناراحتی امریکاییها از نزدیک

شدن ایران به شوروی، دعوت روسها را پذیرفت و پس از ورود به بادکوبه در بعد از ظهر ۴ تیر ۲۵/۱۳۳۵ ژوئن ۱۹۵۶، به سوی مسکو پرواز کرد و در میان استقبال گرم مقامات کرملین به زمین نشست.

مسافرت شاه به اتحاد شوروی هیچده روز طول کشید و در طی آن، علاوه بر مسافرت به استالینگراد، لنینگراد، اوکراین و بازدید از کارخانجات ذوب آهن شهر کیف به ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان سفر کرد و برای استراحت و تفریح، به سوچی و یالتا رفت و چند روزی را در یک کشتی تفریحی بر روی آبهای دریای سیاه گذراند. (۳۵)

در فرودگاه مسکو، و ارانشیلف پس از خیر مقدم به شاه، ضمن سخنرانی کوتاهی اظهار کرد:

دولت شوروی - که سیاست صلح جویانه خود را بجد دنبال می کند - معتقد است که همه کشورهای به رغم رژیم سیاسی، اجتماعی خود، می توانند با یکدیگر در صلح و دوستی زندگی کنند و اختلافات خود را به طور مسالمت آمیز حل و فصل کنند.

شاه نیز در پاسخ به و ارانشیلف، شوروی را دوست ایران خواند و بر این نکته تأکید کرد که وقتی پایه های دوستی بر اساس احترام متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر قرار بگیرد، بی تردید استوار و خلل ناپذیر خواهد بود. (۳۶) در ۱۹ تیر نیز شاه در میهمانی رسمی شام در کاخ کرملین، در پاسخ به رئیس جمهور اتحاد شوروی اظهار کرد:

"دولت ایران هیچگاه به دسته بندیهایی که دارای جنبه تجاوزکارانه نسبت به اتحاد جماهیر شوروی باشد، وارد نگردیده و من می توانم اطمینان بدهم که این امر هیچ وقت اتفاق نخواهد افتاد. ما همواره اصول استعماری را رد کرده ایم. ایران، مملکتی نیست که تازه به وجود آمده باشد. ایران، کشوری است که دارای متجاوز از ۲۵ قرن موجودیت مستقل و حاکمیت کامل می باشد. چنانچه ایران اقداماتی برای دفاع از [خود] به عمل می آورد، این امر ناشی از ضرورت مملکتی و تجارب گذشته و ناشی از وضعیت بین المللی است." (۳۷)

شاه، در بیست و یکم تیر هنگام بازگشت از شوروی در فرودگاه مرکزی مسکو، بار دیگر خطاب به رئیس جمهور تأکید کرد:

"ما می توانیم دوستان و همسایگان خیلی خوبی باشیم و در راه قرقی و پیشرفت اجتماع و تمدن قدم برداریم و در عالم صلح و صفا زندگی کنیم." (۳۸)

سفر شاه به مسکو، تشنج سیاسی میان دو کشور را زود و فصل تازه ای در تاریخ روابط ایران و شوروی گشود.

بر اثر این سفر در دسامبر ۱۹۵۴، به منظور رفع کش مکشهای مرزی و تسویه مطالبات ایران، مقاله نامه ای به امضا رسید که بر اساس آن، حدود دو کشور در طول ۲۵۰۰ کیلومتر به طور دقیق تعیین شد و به منازعاتی که بیش از یک سده همچنان ادامه داشت، پایان داد.

افزون بر این، روسها مطالبات ایران را - که از دوران جنگ دوم در نزد آنها باقی مانده بود - به صورت طلا پرداخت کردند و قراردادهای دیگری برای توسعه صنایع در ایران به امضا رساندند که همه آنها سبب محکم تر شدن روابط ایران و شوروی گردید. (۳۹)



نقشه شماره ۱ - موقعیت کشورهای عضو پیمان بغداد (سنتو)

سند شماره ۱

سه شنبه ۸ بهمن ۱۳۳۶

۲۸ ژانویه ۱۹۵۸

متن بیانات جان فاستر دالس وزیر امور خارجه آمریکا در جلسه افتتاحیه چهارمین کنفرانس شورای وزیران پیمان بغداد در آنکارا در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۳۶

آنکارا - جان فاستر دالس وزیر امور خارجه آمریکا که ریاست هیئت ناظرین آن کشور را در شورای وزیران پیمان بغداد به عهده دارد، در جلسه افتتاحیه شورا که در تاریخ هفت بهمن ماه ۱۳۳۶ در پایتخت ترکیه تشکیل شد، نطقی به این مضمون ایراد کرد: من امروز با کمال مسرت و خوشوقتی با شما آقایان در چهارمین کنفرانس شورای وزیران پیمان بغداد شرکت می کنم. ما از مهمان نوازی سخاوتمندانه ترکیه نهایت امتنان را داریم و همچنین از اینکه عراق، محلی برای مقر دائمی پیمان بغداد فراهم آورده است، سپاسگزاریم.

من از جانب پرزیدنت آیزنهاور به این مجمع درود فراوان می گویم. ایشان به اینجانب مأموریت داده اند علاقه شدیدشان را نسبت به فعالیتهای پیمان بغداد به اطلاع آقایان برسانم. پرزیدنت آیزنهاور و همچنین عموم ما از اینکه پیمان بغداد دائماً به طرف هدفهای خود، یعنی صلح، امنیت و رفاه و آسایش بشر پیشرفت نموده است، بسیار خوشوقتیم. آقایان شما این نتایج را تاکنون حاصل کرده اید و جادارد که به آن افتخار نمایند.

گزارشهای نمایندگان ما در جلسات مختلف پیمان بغداد همواره ما را از اقدامات شما آگاه نموده است. معذک این جانب همیشه آرزو داشته ام که از نزدیک با سازمانی که شما آقایان با چنان موفقیت عظیم ایجاد کرده اید، آشنا شوم و از این فرصت که به من دست داده است، بسیار خوشنودم.

آقایان

در پایان جنگ جهانی دوم افراد بشر امیدوار بودند که وارد یک دوره صلح و آرامش و امنیت برای عموم جهانیان خواهند شد. متأسفانه به زودی این امیدواری نقش بر آب شد. اکنون مردم و ملل آزاد جهان خود را ملزم می دانند که برای حفظ استقلال خود در مقابل جاه طلبیهای مخرب امپریالیسم کمونیست به شدت مبارزه نمایند. مسکو و پکن به طور مستقیم یا من غیر مستقیم از جانب احزاب

کمونیست محلی همواره سعی دارند، قدرت و حاکمیت خود را به اطراف و اکناف توسعه دهند. در هر مکانی که توفیق حاصل کرده اند، آزادی معنی خود را از دست داده و حیثیت فردی نابود شده است. تجسم فهرست اسامی ملل آزادی که به استقلال خود افتخار می کردند ولی امروز اجباراً یوغ بردگی کمونیستها را بر گردن نهاده اند، مایه تأسف و تأثر است. این کشورها تعدادشان تقریباً به بیست می رسد. فقط در اثر زور و تحمیل است که ملل مزبور در بردگی به سر می برند. همانطوری که انقلاب اخیر مردم مجارستان علیه اربابان خارجی خود این امر را به منصفه ظهور رسانید.

معدلک گردانندگان کمونیسم بین المللی هنوز هم علناً اعلام می دارند که هدفشان تسخیر جهان می باشد. این اشخاص مجدداً در ماه نوامبر گذشته این هدف خود را در مسکو اعلام کردند.

در حال حاضر علاوه بر به کار بردن قوه جبر و تهدید و تخویف، کمونیستها مساعی خود را در خرابکاری و فریب و اغوای مردم شدیدتر ساخته اند. این اقدامات فریبنده و تو خالی است. آنها از علاقه بشری به اصلاحات اجتماعی و اقتصادی سوء استفاده می کنند و سعی دارند هوشیاری و قوه مقاومت ملل را در مقابل بردگی و اسارت متزلزل سازند.

روسیه از مدت‌های پیش چشم طمع به خاور میانه دوخته است. اتحاد جماهیر شوروی با کمال اشتیاق این میراث امپریالیسم تزاری را به ارث برده است. در سال ۱۹۴۰ استالین خواستار شد که یک منطقه نفوذ در منطقه خلیج فارس به روسیه داده شود و پس از پایان جنگ جهانی، اولین تقاضای شوروی این بود که قیومیت لیبی به آن کشور تفویض شود. اتحاد جماهیر شوروی چه مستقیماً و چه از طریق نهضت کمونیسم بین المللی تسلط بر خاور میانه را در درجه اول اهمیت قرار می دهد. و هر موقع حملات علنی یا مقاومت شدید روبرو می شود، به روش و تاکتیکهای زیر پرده متوسل می شود ولی در عین حال زمامداران شوروی از تهدید و تخویف باز نمی ایستند، همانطوری که دوستان ترک و ایرانی ما مخصوصاً در این باره تجربیات زیادی دارند و می دانند که اتحاد جماهیر شوروی به منظور تهدید ملل به چه نیرنگهایی متشبث می شود. آقایان همه ما می توانیم از عکس العمل منورهانه آنها در مقابل اینگونه فشارها الهام بگیریم.

خوشبختانه به طور کلی ملتها به خوبی به خطری که از جانب امپریالیسم کمونیست متوجه استقلال ملل می باشد، وقوف دارند. در اطراف و اکناف جهان ملل آزاد با تجویز و ضمانت منشور ملل متحد با یکدیگر همکاری دسته جمعی ناحیه ای ایجاد کرده اند. این اتحادیه ها به عقیده من می تواند از مبادله اطلاعات و تجربیات یکدیگر استفاده نمایند.

کشورهای متحد امریکا با کمال قدرت از تصمیم ملل خاور میانه به حفظ آزادی و تقویت صلح پشتیبانی می کند. ماصمیمانه از پیمان بغداد حمایت می کنیم. کشورهای متحد امریکا به خوبی می دانند همانطوری که کلیه مردان منصف و روشن بین به خوبی می دانند که این پیمان هیچکس را تهدید نمی کند و هیچگونه مانعی در مقابل تمایلات مشروع و مفید هیچ ملت یا گروهی از ملل ایجاد نمی کند. هدف آن توسعه همکاری به منظور تأمین دفاع میباشد و این حق مخصوصاً در ماده ۵۱ منشور ملل متحد تصریح و تأیید شده است. پیمان بغداد دست دوستی و مودت به طرف عموم ملل همفکر خاور میانه دراز کرده و همچنین این حق را برای عموم ملل مسلم می داند که هر کشور می تواند کاملاً و آزادانه راه تأمین و تضمین امنیت خود را انتخاب کند.

مقاصد کشورهای متحد امریکا در خاور میانه به طور و وضوح در قطعنامه مشترک کنگره درباره خاور میانه که پارسل به تصویب رسید تشریح شده است. هدف همانطوری که در آن قطعنامه ذکر شده، "حفظ استقلال ملی" کشورهای خاور میانه می باشد.

ما به خوبی به این حقیقت واقفیم که در این منطقه استقلال سیاسی که همواره هدف این ملل می باشد، گاهی از بین رفته و هر چند وقت یک بار مورد تهدید قرار گرفته است. همانطوری که امروز مورد تهدید می باشد.

همچنین ما به خوبی می دانیم که تنها خواستن استقلال یا داشتن استقلال کافی نیست. استقلال قابل اطمینان بر دو ستون محکم استوار است: رکن امنیت دفاعی و رکن سلامت اقتصادی.

کشورهای متحد امریکا آماده است از این دو طریق همکاری نماید و به هر ملت یا گروهی از ملل در منطقه خاور میانه که مایل باشند در حفظ استقلال ملی کمک کند.

اجازه دهید اول از امنیت صحبت کنم.

امنیت چیزی نیست که خود به خود تأمین گردد، بلکه آن را بایستی با کوشش و فعالیت به دست آورد. با مدارا کردن و باضعف و یا مساهله به دست نمی آید. بارها معلوم شده است که امنیت در موقعی تأمین می شود که شرایطی بوجود آید تا مسلم گردد که تجاوز به نتیجه نمی رسد. اگر یک متجاوز احتمالی درک کند که در صورت تشبث متجاوز احتمال باخت وی بیش تر از بردش خواهد بود، می توان اطمینان حاصل کرد که او در صدد تجاوز بر نخواهد آمد. این امر در جایی صدق می کند که امنیت دسته جمعی نقش واجب و ضروری خود را ایفا کند. کم تر کشوری را می توان یافت که به خودی خود منابع لازم برای دفع تجاوز را از خود داشته باشد، ولی همین کشورها به طور دسته جمعی می توانند این کار را بکنند. بنابراین امریکا گاهی از طریق پیمان و زمانی با تصویب قطعنامه هایی در کنگره با متجاوز از چهل کشور در دفاع از استقلال ملی و صلح متحد شده است. کنگره امریکا در مورد خاور میانه به رئیس جمهوری اختیار

داده است که از قوای مسلح آمریکا برای کمک به هر کشور یا گروهی از کشورهای خاورمیانه که کشورهای پیمان بغداد جزو آن گروه می باشد در صورتی که تقاضای چنین کمکی بشود علیه تجاوز مسلحانه از طرف هر کشوری که تحت کنترل کمونیسم بین الملل باشد، استفاده کند.

گروه کشورهای عضو پیمان بغداد می توانند اطمینان داشته باشند که نیروهای متحرک و مقتدری از هر کشوری که مورد تجاوز کمونیست قرار بگیرد، پشتیبانی به عمل خواهد آورد. بدین طریق چنین متجاوز احتمالی قبلاً می داند که ضررهای او در صورت تجاوز کردن به مراتب بر منافعتش بیش تر خواهد بود. این است مانع مؤثر در مقابل تجاوز و تضمین کننده صلح.

همچنین داشتن نیروی دفاعی ملی از جمله واجبات است. وجود این نیروها نشانه بارزی است بر اینکه این ملتها عزم دارند در راه وطن خود و به خاطر ایمان و عقیده خود جنگ کنند و در صورت لزوم جان خود را در این راه فدا کنند. برای چنین منظور نمی توان آنرا و به طرفه العین راه چاره دیگری اندیشید. به علاوه این نیروها در صورتی که با قوای متحرک تقویت شوند، خواهند توانست مردم را از بلای تجاوز در صورتی که قوای جلوگیری کننده در مأموریت خود توفیق حاصل نکنند، نجات دهند. آمریکا به این جنبه دفاعی کمک کرده و خواهد کرد.

برای همین علل بوده که آمریکا دعوت شمارا برای شرکت در کمیته نظامی پیمان بغداد و تعیین یک معاون برای سازمان طرح ریزی نظامی پیمان بغداد قبول کرد.

همین موضوع باعث شد که دولت من دعوت قبلی شمارا مبنی بر شرکت در کارهای کمیته ضد تخریب پیمان قبول نماید. به عقیده ما صراحتاً بایستی اعتراف کنیم که حتی مللی که به خطر کمونیست واقف می باشند، هنوز وقت دارند که بهترین و مؤثرترین راه مقابله علیه خرابکاری کمونیست [را] پیدا کنند. ما در سالهای اخیر خیلی چیزها را آموخته ایم، ولی هنوز خیلی اصلاحات وجود دارد که بایستی در تاکتیکهای ضد تخریب به عمل آوریم. در اینجا نیز اطمینان داشته باشیم که کوششهای توأم با همکاری بر تأثیر کارهای ما می افزاید. اینها هستند جنبه های تأمینی و جنبه های تضمین صلح پیمان بغداد. سازمان نظامی تا موقعی که یک سیستم عملی در مورد تقلیل تسلیحات در جهان به وجود نیامده است، از جمله ضروریات است.

من به شما اطمینان می دهم که آمریکا در نهایت جدیت کوشش می کند که هم به خطر اتمی خاتمه داده شود و هم محدودی، برای تسلیحات معمولی بوجود آید.

به خاطر دارم که تازه سال پیش که سلاحهای اتمی در انحصار آمریکا بود آمریکا حاضر شد از این انحصار دست بردارد و با دیگران تشریک مساعی کند که سازمانی بوجود آورد که نیروی اتم منحصر اصراف مقاصد صلح جویانه گردد. اما تنها دولت شوروی بود که راه نیل به این مقصود را سد نمود و نگذاشت که این نیرو صرف پیشرفت صلح و انسانیت گردد.

در مورد فضای خارج از جو نیز ما امروز با همان فکر و روحیه عمل می کنیم. برای اولین مرتبه در تاریخ، فضای خارج از جو مورد استفاده بشر واقع می شود و هم آمریکا و هم اتحاد جماهیر شوروی مشغول آزمایشهایی هستند که فضای خارج از جو را به عنوان سلاح به کار ببرند. بنابراین آمریکا به دولت شوروی پیشنهاد کرده است که [هر دو دولت] از استفاده از فضای خارج از جو به منظور جنگ صرف نظر کنند و فضای مزبور را برای مقاصد صلح جویانه و در راه خیر و مصلحت بشریت به کار ببرند، نه آنکه آن را برای انهدام نوع انسان مورد استفاده قرار دهند.

تاکنون دولت شوروی به این پیشنهاد پاسخ مقتضی و مثبت نداده است. معهذاً دولت شوروی در هفته گذشته طی اظهاراتی تزی مشتمل بر پیش آورده مبنی بر اینکه دولتهای منکر وجود باربعالی یعنی تنها دولتهای کمونیست می توانند سلاحهای مدرن در اختیار داشته باشند. استدلال دولت شوروی بر این است که داشتن چنین سلاحها از طرف مردم متدین و مدافعین دینت، یک نوع اهانت به مقدسات محسوب می شود. بنا به چنین استدلال دولتهای کمونیست فقط باید دارای چنین سلاحهایی باشند.

کشورهای متحد آمریکا با نهایت علاقه کوشش می کند که دامنه تسلیحات بر اساس تساوی و برابری محدودیت پیدا کند. ولی کشورهای متحد آمریکا هرگز این تز و عقیده شوروی را که می گوید اشخاصی که اعتقاد به اصول مذهبی دارند، نبایستی برای دفاع از آزادی مذهب خود و سایلی برای خود فراهم بیاورند، نخواهند پذیرفت.

اکنون اجازه بفرمائید درباره سلامت اقتصادی صحبت بکنم. این نیز یک رکن بسیار ضروری جهت حفظ استقلال می باشد. بدون سلامت اقتصادی هیچ ملتی نمی تواند نیروهای دفاعی کافی و قابل اعتماد فراهم بیاورد، یا در مقابل خرابکاری مقاومت مؤثر بنماید. فراهم آوردن تأسیسات نظامی بزرگ را نمی توان به آسانی بارفاه اقتصادی تطبیق داد. یکی از مزایای دفاع دسته جمعی این است که ضرورت دفاع انفرادی را کم تر می سازد. زیرا در یک سیستم دفاع دسته جمعی نیروی قابل انتقال که یک ملت را از خطر تجاوز حفظ می کند، می تواند ملل دیگر را نیز حفاظت کند. به این ترتیب و فقط به این طریق ممکن است که ملتها بتوانند با قدرت دشمن بزرگی مواجه نمایند، بدون آنکه بار سنگین غیر تولیدی نظامی را بر مردم تحمیل نمایند و به این طریق است که می توان امنیت نظامی را با سلامت

اقتصادی نوام ساخت.

مقامات نظامی می توانند درباره امنیت نظامی توصیه هایی بنمایند. ولی در عین حال قضاوت های وسیع سیاسی نیز موجود است که شامل هم عوامل نظامی و هم عوامل اقتصادی می شود. البته برای تأمین امنیت نظامی لازم است که قدری از لحاظ اقتصادی فداکاری نماییم، ولی ما جرأت آن را نداریم که حق تقدم مطلق به احتیاجات نظامی خود دهیم و در نتیجه بگذاریم سلامت اقتصادی ما نابود شود. حقیقت امر این است که اقتصادیات سالم که دائم در حال رشد و توسعه باشند، اساس ضروری برای مساعی نظامی دائمی باید قرار گیرد. علاوه بر این با وجود قدرت نظامی بزرگی که برای جلوگیری از تجاوز امروز در جهان وجود دارد، ممکن است ضعف اقتصادی خطرش نسبت به استقلال یک مملکت از ضعف نظامی محلی بیش تر و شدیدتر باشد. ایجاد تعامل لازم میان مساعی نظامی کار آسانی نیست. برای تأمین این منظور نهایت روشن بینی و سیاستمداری لازم است.

فعالیت های پیمان بغداد در زمینه اقتصادی مورد تحسین و تمجید کشورهای متحد امریکا می باشد. کشورهای عضو پیمان با نهایت روشن بینی این حقیقت را در نظر دارند که لازم است وضع اجتماعی و اقتصادی مردم کشورهای عضو پیمان را اصلاح نمایند. شما آقایان این امر را در برنامه اقتصادی منطقه ای خود که با نهایت بصیرت تنظیم شده، به منصفه ظهور رسانده اید. پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی یک آرزوی جهانی است. این آرزو طبیعتاً میان مردمی که به بعضی علل تاریخی هنوز کاملاً از فنون و علوم جدید متمتع و بهره مند نشده اند، شدیدتر است. این علوم و فنون جدید باعث بهبود بهداشت انسان و سهولت کار بشر می شود و در عین حال، فرصت های بیش تری برای تربیت و توسعه استعدادها و منابع معنوی وی می شود.

کشورهای متحد امریکا با کمال خوشوقتی در این مساعی با شما همکاری کرده است. ما در کمیته اقتصادی پیمان بغداد شرکت داریم و کوشش کرده ایم که نقش مؤثری در فعالیتهای مؤسسات فرعی آن ایفا کنیم. کشورهای متحد امریکا به وسیله سفیر کبیر ریچارد در سال گذشته و جوه معتناهی برای آغاز پروژه های متنوع ارتباطی پیمان بغداد در این ناحیه فراهم آورد. ما همچنین از طریق پیمان بغداد یک برنامه مساعدت فنی به موقع اجرا گذاشته ایم و این علاوه بر برنامه های اقتصادی دو جانبه ای است که ما با هر یک از کشورهای عضو پیمان در خاورمیانه داریم.

کشورهای متحد امریکا معتقدند که برنامه اقتصادی پیمان بغداد استحقاق دارد که با قدرت هر چه تمام تر تقویت شود. ما معتقدیم که لازم است از لحاظ بین المللی با تمرکز قوا، پروژه هایی که تاکنون به موقع اجرا درآمده است، تکمیل گردد. در این صورت این پروژه ها نمونه بارزی از منافعی که عاید مردم خاورمیانه می شود، خواهد بود و ثابت خواهد کرد که دولتهای مزبور با شرکت در پیمان بغداد، تصمیم خردمندانه ای اتخاذ کرده اند.

آقایان ما در ایام دشواری زندگی می کنیم، در اثر مساعی چند صد ساله - که بعضی اوقات فرین موفقیت و گاهی با شکست مواجه بوده است - مردم توانسته اند به حیثیت افراد بشر و به لزوم تأسیس یک سازمان اجتماع ملل که با اصول آزمایش شده امنیت مشترک و همکاری دو ستانه توأم باشند، پی برده اند. معدنک فعلاً که کارهای بسیاری به نظر ممکن می رسد، تمام این مساعی با خطر مواجه است. گروه کوچکی با تعصب شدید معتقد به یک اجتماع ماتریالیستی می باشد که بر اساس انکار وجود خداوند استوار باشد. این گروه معتقد است که هم افراد بشر و هم اجتماعات ملی بایستی هم شکلی ماشینی پیدا کنند. اینها می خواهند افراد بشر را به صورت بیچ و مهره های یک ماشین ماتریالیستی در آورند که به فرمان یک دیکتاتور مرکزی فکر بکنند و عمل نمایند. اینها لاف می زنند از آنکه طرفدار اصول بین المللی هستند و منظورشان این است که عموم دول جهان را تحت یک حکومت واحد در آورند. یعنی کمونیسم بین المللی که تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی کار می کند.

این گروه متعصب از همه گونه وسایل بدون در نظر گرفتن اصول اخلاقی - زیرا منکر وجود قوانین اخلاقی می باشند - استفاده می کنند و از طریق ایجاد انقلاب و یا به وسیله تجاوز نظامی و تخریب توانسته اند بر قسمت بزرگی از جهان تسلط یابند و اکنون منابع انسانی و مادی این قسمت از جهان را استثمار می کنند و سعی دارند تسلط خود را به سایر قسمتهای جهان توسعه دهند.

این تهدید و خطری است که وسعت عظیمی دارد، اما ما نبایستی هراسناک شویم. بزرگ ترین خطر موقعی فراهم می آید که مردم نسبت به خطر کور غافل باشند. امروز ما این خطر را به خوبی می بینیم و با نیروهایی متحد و متفق هستیم که مکرر توانائی خود را برای شکست دادن قوای مستبد ماتریالیستی به منصفه ظهور رسانده اند. ما به خوبی می دانیم که تمایلات و آرزوهای خداداد برای نیل به آزادی فکر و روح و همچنین برای فراهم آوردن فرصت وجود دارد که بشر قادر نیست آن را نابود سازد. تا زمانی که ما با کمال وفاداری و با روح فداکاری از نیکی و حق و حقیقت پشتیبانی کنیم، مرام و هدف ما به طور مسلم فرین موفقیت خواهد بود.

آقایان هیئت ناظرین کشورهای متحد امریکا در سایه اینگونه احساسات سعی خواهد کرد کمک مفیدی به مذاکرات شما بنماید.

مشکر، (۴۰)

سند شماره ۲

متن کامل اعلامیه شورای وزیران پیمان بغداد

شورای وزیران پیمان بغداد روز پنجشنبه ۳۰ ژانویه ۱۹۵۸ (۱۰ بهمن ۱۳۳۶) در پایان مذاکرات خود، اعلامیه‌ای به شرح زیر صادر نمود که متن آن از این قرار است:

متن اعلامیه

چهارمین دوره اجلاس شورای وزیران پیمان بغداد از روز ۲۷ ژانویه تا ۳۰ ژانویه ۱۹۵۸ در عمارت مجلس ملی آنکارا تحت ریاست جناب آقای عدنان مندرس نخست وزیر ترکیه تشکیل گردید.

رؤسای هیئتهای نمایندگی کشورهای عضو به این قرار بودند:

۱- جناب آقای دکتر منوچهر اقبال نخست وزیر ایران؛

۲- جناب آقای سید نوری السعید از عراق؛

۳- جناب آقای ملک فیروز خان نون نخست وزیر پاکستان؛

۴- جناب آقای عدنان مندرس نخست وزیر ترکیه؛

۵- جناب آقای سلوین لویذ وزیر خارجه بریتانیای کبیر.

هیئتی از امریکا نیز تحت ریاست جناب آقای جان فاستر دالس وزیر امور خارجه آن کشور حضور داشت.

شورای وزیران پیمان بغداد در چهارمین دوره اجلاس خود، کارهای سازمان پیمان بغداد را از مدنظر گذرانید و پس از بحث و مذاکره، گزارشها و توصیه‌های زیرین را تصویب نمود:

۱- گزارش کمیته اقتصادی؛

۲- گزارش کمیته رابط؛

۳- گزارش کمیته ضد تخریب؛

۴- گزارش کمیته نظامی.

شورای وزیران یاد آور شد که پیمان بغداد از علاقه و تمایل مردم ناحیه خاور میانه برای حفظ و صیانت خود در مقابل امپریالیسم کمونیست و سلطه کمونیسم به هر شکل و عنوانی که باشد، بوجود آمده است و با خرسندی خاطر نشان ساخت که با وجود حملاتی که به پیمان بغداد و اعضای آن شده، پیمان بغداد به یک سازمان مقتدر و نیرومند و متشکل از مظهر بهترین امید تأمین صلح و آزادی و استقلال منطقه خاور میانه است، تبدیل یافته است.

هدف این پیمان که اتحاد هم پیمانان بر اساس تساوی و برابری است، دفاع و تأمین امنیت ناحیه خاور میانه است. این امر برای صلح جهان و همچنین برای همکاری مؤثر و سودمند به نفع ۱۳۵ میلیون نفوس حوزه پیمان که غالب آنها مسلمان هستند، اهمیت حیاتی دارد.

شورای وزیران موافقت نمود که باید فعالیتهای تخریبی در این ناحیه را منکوب نمود و شرایط صلح آمیز را نگاهداری کرد.

شورای وزیران تأیید کرد که تأمین پیشرفت اقتصادی حوزه پیمان بغداد و تأمین رفاه و آسایش مردم این ناحیه، ایجاب می کند که برنامه های اقتصادی پیمان بغداد به اسرع وقت به موقع اجرا گذاشته شود.

شورای وزیران طی جلسات متوالی اوضاع بین المللی را مورد مطالعه قرار داد. بعضی از این جلسات جنبه خصوصی داشت و طی آن رؤسای هیئتهای نمایندگی توانستند با صداقت و صراحت تمام که شایسته اجتماع صمیمانه کشورهای این ناحیه است، به تبادل نظر و اطلاعات پرداختند. شورا اذعان نمود که این مذاکرات صریح و صادقانه که از عناصر گرانمای سازمان پیمان بغداد شده، بسیار مفید و سودمند بوده است.

شورا خاطر نشان کرد که به حکم ضرورت باید پرده از تکنیک معمولی خرابکاری که تحت عنوان مجعول همزیستی دوستانه و کمک به کشورهای توسعه نیافته به عمل می آید، برداشته شود.

با اینکه جهان آزاد قدمهای متهورانه و مهمی در اعطای آزادی به ملت های زیادی در چند سال اخیر برداشته است و با اینکه جهان آزاد کوشش و مجاهدت می کند که مشکلات موجود را حل نماید، شورای وزیران پیمان بغداد با ابراز تأسف متوجه گردید که کمونیسم بین المللی در تعقیب مقاصد خود سعی و مجاهدت می کند که به وسیله دستگاههای تبلیغاتی خود و سازمانهایی که در آن نفوذ دارد، از

احساسات ناسیونالیسم و ترس از جنگ و پریشانی اقتصادی و مشکل آوارگان عرب و استعمار و احساسات مردم آفریقا و آسیا استفاده کند. مساعی کمونیستها برای رخنه و نفوذ کردن در ناحیه خاورمیانه به وسیله تجاوز غیرمستقیم مانند عملیات خرابکاری هنوز موجب خطر و تهدید برای این ناحیه است و ایجاب می کند که نسبت به این امر هوشیاری دائم به کار رود و بین کشورهای این منطقه همکاری و معاضدت روزافزونی به عمل آید.

شورای پیمان بغداد متوجه گردید که از آخرین جلسه شورا در ژوئن ۱۹۵۷ در کراچی، امپریالیسم کمونیست بر مساعی خود برای استیلا یافتن به خاورمیانه افزوده است. این مساعی که به صورت اعمال فشار و تهدید و وارد آوردن اتهامات دروغ و بی اساس به عمل آمده، بیش تر به وسیله اتحاد جماهیر شوروی بر علیه ترکیه صورت گرفته است. رویه مقرون به متانت و شهامت آمیز ترکیه در این مورد، موجب جلب تحسین و تقدیر همکاران ترکیه در شورای وزیران گردید.

شورای وزیران خاطر نشان نمود که همکاری بین پیمان بغداد و سازمانهای امنیت دسته جمعی ناحیه ای دیگر جهان آزاد مطلوب و مفید است و اظهار عقیده نمود که تماسهای نزدیکتر بین ملل جهان آزاد به پیشرفت هدف مشترک آنها که بسط امنیت و رفاه اجتماعی مردم این ناحیه است، کمک شایانی خواهد نمود.

شورای وزیران با احساس نگرانی مشاهده نمود که اختلاف نظر و معارضه و جدال که مناسب ترین زمینه برای استفاده امپریالیسم کمونیست می باشد، هنوز در مناطق مختلف جهان وجود دارد و وقت قابل ملاحظه ای برای بحث درباره اوضاع ناحیه مدیترانه و خاورمیانه و آسیای جنوبی صرف نمود و تأکید کرد که وضعی که امنیت حوزه پیمان بغداد را به مخاطره می اندازد، باید طبق اصول عدالت و مقررات منشور سازمان ملل متحد حل گردد. شورا معتقد است که استفاده بی پروا از حق و تود در شورای امنیت که به عنوان حربه جنگ سرد به کار می رود، باید موقوف گردد تا امریکا بتواند به عنوان یک عامل و نیروی مؤثر در حل و تصفیه اختلافات به طور مسالمت آمیز فعالیت کند.

شورا معتقد است که موضوع نیروی پلیس سازمان ملل متحد به عنوان وسیله کار سازمان ملل متحد و به کار بردن آن نیرو در مناطقی که دچار آشوب و اختلال شده، باید به کشورهای عضو سازمان ملل متحد توصیه شود تا آن را مورد قبول قرار دهند. با توجه به این امر که مراقبت و هوشیاری دائمی و بهبود امنیت و وضع دفاعی حوزه پیمان بغداد لازم و ضروری می باشد، شورا اشتیاق کامل خود را برای صلح و عزم خود را مبنی بر اینکه برای رسیدن به صلح از هیچگونه کوششی مضایقه و دریغ نخواهد نمود، ابراز کرد.

اقتصادی

شورای وزیران پیمان بغداد کارهای کمیته اقتصادی را مورد مطالعه قرار داد و تصمیماتی را که متضمن توصیه هایی در زمینه بهداشت و کشاورزی و ارتباطات و کارهای عمومی و بازرگانی و تأمین بودجه پروژه های مشترک بود، تصویب کرد. شورا با مسرت خاطر مشاهده نمود که برای همکاری اقتصادی پایه محکمی به وجود آمده و پیمان بغداد می تواند بر اساس همان پایه، کارهای خود را ادامه دهد و در نتیجه کارهایی که کمیته های فرعی اقتصادی انجام داده اند، اکنون یک برنامه کمک فنی امیدبخشی در حال بوجود آمدن است. برنامه مزبور بر پایه همکاری استوار شده است. این کار از لحاظ بالا بردن سطح زندگی مردم این ناحیه دارای فواید بزرگی خواهد بود.

هم اکنون در مورد فعالیتهای زیر کمک فنی به عمل می آید و با برنامه ای که برای این قبیل کمکها تهیه شده است، زمینه های مزبور عبارتند از: بهداشت و کشاورزی و مبارزه با آفات و مبارزه با آفات حیوانی و تکثیر تولیدات حیوانی.

در زمینه کمک فنی، دولت ایران مبلغ ده میلیون ریال و دولت ترکیه هفتصد و پنجاه هزار لیره ترک برای مدت پنج سال اختصاص داده اند. مبالغ مزبور علاوه بر پیشنهاد کمکی است که در کراچی به عمل آمد. یعنی یک میلیون لیره برای مدت ۵ سال از طرف دولت انگلیس و چند صد هزار روپیه از طرف دولت پاکستان پیشنهاد کمک شد.

شورای وزیران ملاحظه نمود که در اجرای پروژه های مصوب پیشرفتی حاصل شده است و پیشنهاد کمیته اقتصادی را مبنی بر اجرای پروژه های دیگر تصویب نمود. قطعنامه کمیته اقتصادی توصیه می کند که کشورهای عضو کمیته اقتصادی پیمان بغداد، کمک به این قبیل پروژه ها را مقدم بر هر چیزی مورد نظر مساعد قرار دهند و کشورهای عضو به مسائل کنونی خود برای اجرای آنها ادامه دهند. شورا معتقد است که باید اقدامات مخصوصی درباره پروژه های تصویب شده به عمل آید. شورا اظهار مسرت کرد از اینکه کارهای مقدماتی برای ارتباط پایتختهای کشورهای عضو پیمان بغداد هم اکنون شروع شده است و خیلی مشعوف شد از اینکه امریکا اعلام کرد ۱۰ میلیون دلار دیگر برای این منظور خواهد داد. به این ترتیب قسمت اعظم وجوه لازم برای احداث این شبکه ارتباطی بین پایتخت کشورهای عضو پیمان فراهم شده است. امریکا همچنین اعلام داشت که ممکن است وجوه اضافی دیگری برای پروژه های مشترک از بانک بین المللی و بانک صادرات و واردات و بانک جدید التاسیس وام برای کارهای عمرانی تحصیل کند.

همکاری علمی

شورا خاطر نشان ساخت که بر اثر همکاری بین اعضای کمیته اقتصادی و کمیته های فرعی و مرکز اتمی و شورای علمی کمک شایانی به بالا بردن سطح معلومات فنی و علمی کشورهای عضو پیمان به عمل آمده است. شورا تصمیم گرفت که معاونین آنها باید درباره امکان تمدید و توسعه برنامه کنونی، مطالعه نمایند.

نظامی

شورا خاطر نشان ساخت که در پائیز گذشته یک سازمان طرح برنامه های نظامی مشترک در بغداد بوجود آمد. این امر باعث شد که طرح برنامه های دفاعی نظامی قوت پیدا کند و مساعی دفاعی کشورهای عضو پیمان موثرتر گردد و این اقدام، قدم مهمی در تصمیم کشورهای عضو برای حفظ حاکمیت خود از طریق همکاری بود.

شورا تشکیل یک سازمان طرح ریزی دائمی را به نام هیئت طرح ریزی برنامه های نظامی مشترک تصویب کرد و همچنین اساسنامه ای برای رئیس این هیئت و اعضای آن مورد تصویب قرار داد. از جمله وظایف این سازمان آن است که برای مانورهای تعلیماتی مشترک برنامه تهیه کند.

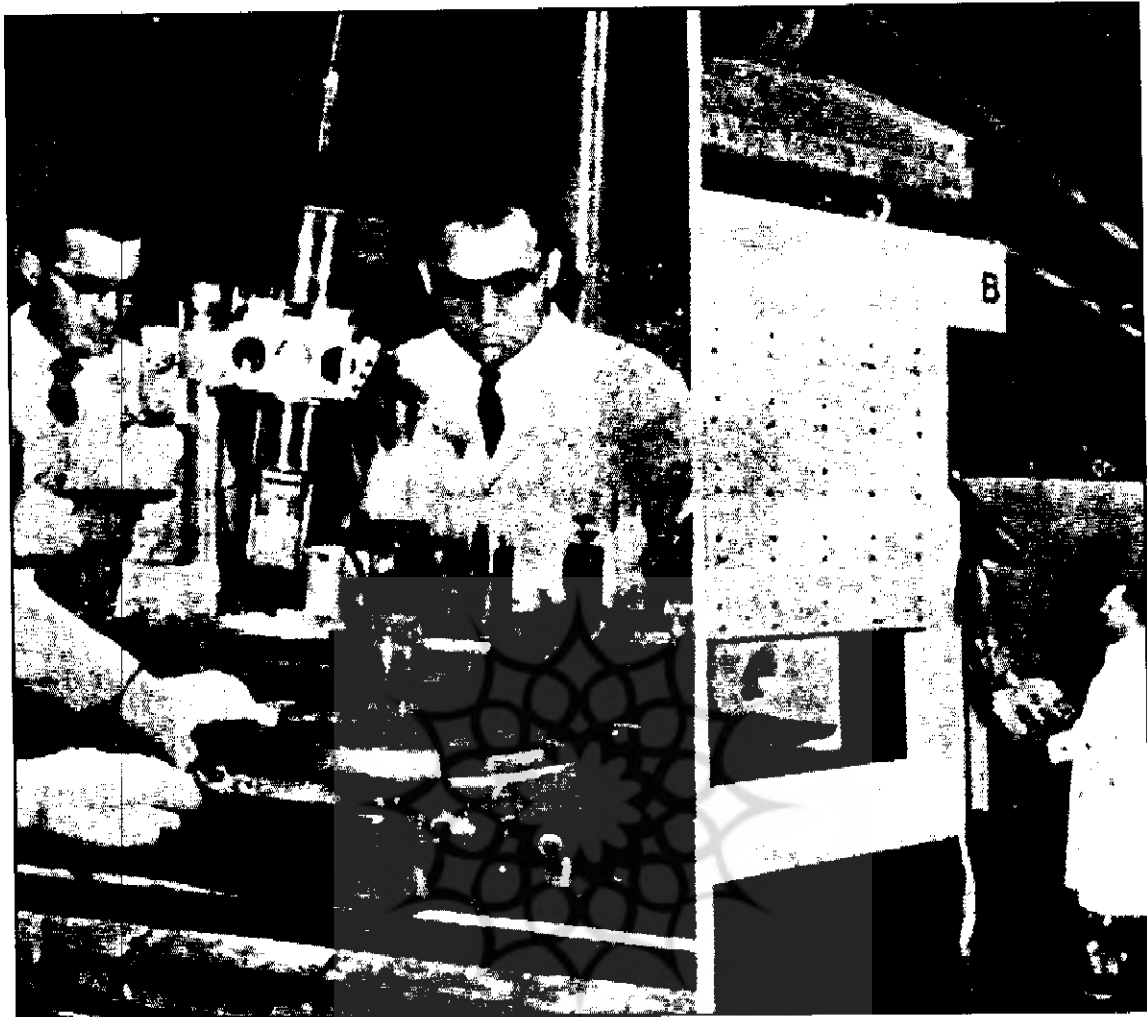
شورا همچنین پیشنهاد کمیته نظامی را دائر به انتصاب ژنرال ارتش ترکیه اکرم اکالین به ریاست قسمت طرح های نظامی مشترک در سال ۱۹۵۸ مورد قبول قرار داد. سرلشکر هوایی امریکا دانیل اس کمپ بل که از سال ۱۹۵۷ معاونت قسمت طرح های نظامی مشترک را عهده دار بوده است، به سمت معاونت ژنرال اکالین منصوب خواهد گردید.

شورا از عملیات سرلشکر ارتش پاکستان م. حبیب الله خان که در سال ۱۹۵۷ سمت ریاست عالییه قسمت طراحی نظامی مشترک را عهده دار بود، تقدیر کرد.

شورا تصمیم گرفت که جلسه آینده کنفرانس وزیران را در ژوئیه ۱۹۵۸ در شهر لندن تشکیل دهد. در خلال این مدت کنفرانس معاونین وزرا مرتباً تشکیل خواهد شد. (۴۱)

پی نوشتها:

- ۱- درباره علل و انگیزه های اصلی ایجاد این پیمان، بنگرید به: آندره فونتن، تاریخ جنگ سرد، ترجمه عبدالرزاق هوشنگ مهدوی، نشر نو، تهران ۱۳۶۶، ج دوم، صص ۱۸۸-۱۷۹.
- ۲- بر اثر این انقلاب، فیصل دوم پادشاه و امیر عبدالاله نایب السلطنه کشته شدند و سلسله هاشمی عراق منقرض و حکومت مشروطه به جمهوری تبدیل شد و عبدالکریم قاسم، به سمت رئیس دولت و مسیس به سمت رئیس جمهوری منصوب گردید.
- ۳- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۱۱/۰۰۰۳۶۶۰۰ ج اجمیز بیل، شیر و عقاب، ترجمه فروزنده برلیان، نشر فاخته، تهران ۱۳۷۱، ص ۱۶۲.
- ۴- برای آشنایی با متن کامل پیمان، بنگرید به: پیتز آوری، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، انتشارات عطائی، تهران ۱۳۷۱، ج ۳، ج دوم، بیوست، ص ۸۸-۱۶۱ غلامرضا علی بابائی، فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاورمیانه، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۴، صص ۱۳۶-۱۳۰.
- ۵- نطق عونی خالیدی، دبیر کل پیمان بغداد در شانزدهم اکتبر ۱۹۵۶ در انجمن ایران و آمریکا، ناشر انجمن ایران و آمریکا، ص ۷، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۹۰۰۰۸۴۷۰.
- ۶- پیتز آوری، همان، ص ۶۱/روزنامه اطلاعات سه شنبه هجدهم مهر ۱۳۳۴، شماره ۸۸۰۳ و چهارشنبه نوزدهم مهر، شماره ۸۸۰۴.
- ۷- نطق عونی همان، همان جا.
- ۸- آندره فونتن، همان، صص ۱۸۵-۱۸۴.
- ۹- روزنامه اطلاعات، پنجشنبه بیستم مهر ۱۳۳۴، شماره ۸۸۰۵/اروز شمار روابط ایران و آمریکا، به کوشش بهروز طبرانی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران ۱۳۷۹، ص ۱۰۹.
- ۱۰- پیتز آوری، همان، صص ۶۲-۶۱/این هفت نفر، قرار بود در روز چهارشنبه بیست و ششم مهر وارد بندر انزلی آتوند بنگرید به: روزنامه اطلاعات، یکشنبه بیست و سوم مهر، شماره ۸۸۰۷.



کشورهای عضو پیمان بغداد کمکهایی دریافت داشته اند که از آن جمله ترتیب یک مرکز اتمی برای استفاده صلح جویانه از نیروی اتم می باشد

- ۲۵- درباره چند و چون سفر شاه و چگونگی پذیرایی رهبران شوروی از وی، بنگرید به: انصاری، همان، صص ۷۶-۷۰.
- ۳۶- پیشین، صص ۷۸-۷۶.
- ۳۷- مجموعه تألیفات، نطقها، پیامها، مصاحبه ها و بیانات اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران، چاپخانه کیهان، بی تاج دوم، صص ۱۶۷۱-۱۶۷۲.
- ۳۸- پیشین، ص ۱۶۷۴.
- ۳۹- درباره این قراردادها و همچنین صرف نظر کردن مقامات شوروی از حقوق آن کشور در شرکت سهامی نفت کویر خوریان و واگذاری آن به دولت ایران، بنگرید به: انصاری، همان، صص ۸۶-۸۵.
- ۴۰- محل در آرشیو ۲۹۷۰۲۵۰۶۶.
- ۴۱- محل در آرشیو ۲۹۷۰۳۶۰۳۲.

- ۲۸- درباره آنتی شوروی و یوگسلاوی، بنگرید به: همان، صص ۲۳۷-۲۳۲.
- ۲۹- انصاری، همان، صص ۶۹-۶۶.
- ۳۰- باقر عاقلی: روزشمار تاریخ ایران، نشر گفتار، ج دوم، تهران ۱۳۷۰، ص ۶۱.
- ۳۱- انصاری، همان، صص ۵۴-۵۲.
- ۳۲- طرح تاریخ شفاهی ایران، دانشگاه هاروارد، مصاحبه حبیب لاجوردی با امیر خسرو افشار، نوار دوم، ص ۸۵.
- ۳۳- پیشین، ص ۱۲۴.
- ۳۴- خاطرات گرومیکو، ترجمه جمشید زنگنه، شرکت نشر و پخش ویس، تهران ۱۳۶۹، ص ۱۳۶۴. این مطلب در صفحه ۳۵۲ ترجمه دیگری از این کتاب با مشخصات زیر آمده است: خاطرات آندری گرومیکو، ترجمه مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۶۹.



دانشگاه تهران

اداره کل دانشکده پزشکی و بیمارستانها

۲۶
۷/۵۹

شماره

تاریخ

پوست

جناب چاره‌دار و احقره نامهربانان

پس از اطلاع از درگذشت ناگهانی و درگذشت ناگهانی

پس از اطلاع از درگذشت ناگهانی و درگذشت ناگهانی

پس از اطلاع از درگذشت ناگهانی و درگذشت ناگهانی

پس از اطلاع از درگذشت ناگهانی و درگذشت ناگهانی

پس از اطلاع از درگذشت ناگهانی و درگذشت ناگهانی

پس از اطلاع از درگذشت ناگهانی و درگذشت ناگهانی

پس از اطلاع از درگذشت ناگهانی و درگذشت ناگهانی